حرف واحد و سبعة احرف در تفسیر مجمع و تبیان

قرطبی سالها بعد از مرحوم شیخ الطائفه است. قرطبی بعد از صاحب مجمع البیان است، در مجمع البیان ایشان می‌گویند کل قرائات حسن است؛ «و أما اختلاف التلاوة فهو ما يتلاوم في الجنس كاختلاف وجوه القرآن و اختلاف مقادير الآيات و السور و اختلاف الأحكام في النّاسخ و المنسوخ فذلك موجود في القرآن و كله حق و كله صواب[1]».

شاگرد: بعد می‌گویند این سبعة احرف هم در بین همین قرائات است.

استاد: شیخ الطائفه خودشان آن را ترجیح می‌دهند. قرین متصلاهی که خیلی جالب بود این بود: اول که حرف واحد را گفتند، در ادامه گفتند که سبعة احرف هم داریم؛ آن چه که اهل البیت اجازه داده‌اند از قرائات بخوانیم، هفت وجهی است که ابن قتیبه گفته و بهترین محمل، اصح الوجوه ای املح الوجوه -اختلاف نسخه بود- است. این است که تجویز قرائت به‌خاطر این است که قرآن بر هفت نوع قرائت نازل شده است.

شاگرد: همه آنها هم حرف واحد است؟

استاد: احسنت. تمام آنها حرف واحد است چون همه را خدا آورده، نه اینکه مردم و ابو حنیفه از جیب خودشان در بیاورند. از یک طرف هم وجوه سبعه هست، چون ملک وحی بر هفت نوع اختلاف قرآن را نازل کرده است. این قرینه متصلهی بسیار مهمی ذیل کلام شیخ الطائفه بود. با اینکه ما چند سال مباحثه کرده بودیم اما به این توجهی نداشتیم، به این خاطر بود که این هفت تا در عبارت طولانیای بود که رهزن شده بود. همین را می‌خواندیم و می‌گفتیم دیگر در بیان حرف ابن قتیبه رفتند. چون شیخ هر هفت مورد را آوردند و طولانی شده بود. مثال زدند. به‌خاطر اینکه طولانی بود دیگر دنبالهٔ عبارت را نگاه نکردیم. شب عید غدیر بود که من می‌خواستم مباحثه کنم، این را دیدم. غدیریه عالیای بود. عبارت را خواندم و دیدم این قرینه بسیار واضحی است. بعد از اینکه شیخ نقل قول آن هفت مورد را می‌کنند، خودشان توضیح می‌دهند. لذا جمع خیلی خوبی بین ذیل کلام ایشان و صدر کلامشان می‌شود. لذا اینکه صاحب حدائق فرمودند: صریح فی در اصحابنا که ادعای اجماع کرده‌اند، ابدا شیخ الطائفه در اجماع نکرده‌اند و سائر علماء قبل از صاحب حدائق از مقدس اردبیلی و ...، شیخ را به‌عنوان مخالف ذکر نکرده‌اند.

شاگرد: رفتار حماد راویه شبیه همان روایتی است که از سیاری نقل فرمودید.

استاد: بله، اینکه می‌آمدند و از آن می‌گرفتند.

شاگرد: تسمیه راویه هم به همین خاطر است؟

استاد: نه، ممکن است که آن به این خاطر باشد که او خیلی راوی شعر بود، اینکه می‌گویند راویه بوده، به این دلیل بود که «کان کثیر الحفظ لاشعار العرب و تراجمهم». این را در وصف حال او

گرفته‌اند. راوی به‌خاطر روایت حدیث نبود.

شاگرد: رفتاری که از روی کتاب می خواندند.

استاد: بله، این نکته خیلی مهمی است. من حتی یادداشت هم کرده‌ام. زمانی‌که امام علیه‌السلام می‌فرمودند «انما الاختلاف یجیء من قبل الرواة»، اصلاً مقری ها منظور نبودند. چون اینها که روات نبودند. اینها نماینده بدنه مسلمین بودند. اسم آنها راوی نبود. مقری و قاری که راوی نبودند. او متواتر بین مسلمین را با اسناد به شیخش به حضرت می‌رساند. لذا راوای که حضرت توضیح دادند، کسی بود که به حالت روایت می‌گفت؛ روایت وجاده ای.

شاگرد: حماد تا چه سالی بوده تا بدانیم این فضا تا چه زمانی باقی بوده؟

استاد: شاید ۱۶۰ باشد[2]. من در فدکیه شرح حال او را آورده‌ام. اسم او هم در فهرست علوم قرآنی آمده و هم در این صفحات گذاشتم و هم شرح حالش آمده است.

شاگرد: این رفتار تا آن زمان باقی بوده که از روی کتاب بالوجاده بخوانند؟

استاد: معاصر او بوده. شهادت امام صادق سال ۱۴۸ است. آن هم به گمانم ۱۶۰ باشد.

شاگرد: استصحابی که اماره باشد با امارات دیگر تعارض می‌کند؟

استاد: کسانی که آن را اماره می‌گیرند می‌توانند آن را معارض بگیرند. اما با این بیان که می رسیم و عرض می‌کنم که می توانیم چند نوع استصحاب داشته باشیم، عرض می‌کنم که نه در استصحاب حتی بنا بر امارات با امارات دیگر متعارض نشود. یعنی باز یک بیان به نحو حکومت و ورود در آن بیاید.

والحمد لله رب العالمین

---

[1]تفسير مجمع البيان - الطبرسي (٣/ ١٢٤، بترقيم الشاملة آليا)

[2]الأعلام للزركلي (٢/ ٢٧١)؛ حَمّاد الرّاوِيَة؛ ٩٥ - ١٥٥ هـ

بازبینی #2
ایجاد شده 25 آوریل 2024 12:50:23 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 ژوئن 2024 10:21:57 توسط ... .